بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خ فقه ج 5 - 22/6/99

(فصل : فی ما یعفی عنه فی الصلاة - محمول متنجس - الخامس ثوب المربیه للصبی - نظرات علما درباره ضعف سند و جابریت آن )

مساله : نخ متنجس که جراحان در جراحی بکار میبرند جزء محمول متنجس است که در نماز معفو است چون آن نخ جزیی از بدن محسوب نمیشود اجزای بدن مرکب از گوشت و پوست و مو و استخوان است و نخ جراحی مصداق آنچه بر بدن میروید نیست لذا حکم دستمال نجس است که در جیب باشد مانعی ندارد اما اگر نخ متنجس برای دوختن لباس استفاده شود یا وصل حصیر و سجاده ها استفاده شود قطعا جزء محمول متنجس نیست و باید اجتناب کرد چون اینها از اجزای لباس است و در باب لباس مصلی بحث شد که باید لباس پاک باشد

اگر نماز گزار قبل از نماز آب نجس خورد این خوردن داخل در بحث محمول متنجس نمی آید و روح انسان را کثیف میکند اما هرگز در صحت و بطلان نماز نقشی ندارد لذا لازم به قی کردن نیست

پنجمین مواردی که در نماز از احکام نجاسات معفو است :لباس زن مربیه کودکان است چه آن طرف مادر بچه ها باشد یا خدمتکار انها باشد مثل مهد کودک اجیر باشد یا تبرعی انجام دهد کودک پسر باشد یا دختر باشد هر کدام که باشد نجاست لباس مربیه د رنماز معفوداست √ به شرطی که روزی یک بار لباس را بشوید و انتخاب این یک بار درمیان این ۱۲ ساعت روز با خودش است اما اولیٰ این است که اخر روز بشوید و نماز ظهر و عصر را با این لباس بخواند و بعد که مغرب شد نماز مغرب و عشاء را با آن بخواند حال اگر لباس را نشست و در آن نماز بخواند باطل است

√ شرط دیگر أین است که یک پیراهن نداشته باشد یا اینکه چند تا دارد اما همه اش قابل استفاده است حال اگر زن بتواند پیراهنی را عاریه یا اجاره کند یا بخرد در این جهت فرقی نمیکند مهم این است که یک پیراهن دارد و این را یک بار میشودید و نماز میخواند

بحث اول : به چه دلیل لباس زن مربیه برای کودکان را در نماز معفو میدانید ؟ بحث دوم : چه خصوصیتی شارع برای عفو قرار داده است ؟

اما بحث اول : دلیل اول : شهرت و بالاتر از آن اجماع است درجواهر ج ۶ص۲۳۱ که علی المشهور بین الاصحاب نقلا و تحصیلا یعنی هم من شهرت را از دیگری نقل میکنم و تحصیلا یعنی کتابها را دیدم که هست. بل لا اعرف فیه خلافا اما مرحوم محقق اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان مخالف است و میگوید معفو نیست و اجماع را رد میکند لذا با توجه به این مخالفت اجماع و شهرت نمیتواند مدرک کافی باشد.

دلیل دوم :روایت ابی حفص عن ابی عبدالله علیه السلام قال سُئل عن امراة لیس لها الا قمیص واحد و لها مولد و یبول علیها کیف تصنع قال علیه السلام تغسل القمیص فی کل یوم مرة

از نظر دلالی حدیث نص است اما از نظر سند روایت ضعیف است مرحوم آقای خویی میفرماید که عمل به این روایت به خاطر ضعف سند جایز نیست چون ابی حفص توثیق ندارد

√ توضیح مهم در باره ضعف سند و عمل به دلالت : در باب جبران ضعف سند مشارب مختلفی است :

اول :عده ای روایات کتب اربعه را صحیح میدانند

دوم : عده ای دیگر قطع به صدور کتب اربعه میدانند ولو بعضی ضعیف است مثل امام (رحمه الله علیه)

سوم : عده ای دیگر میگویند روایات کتب اربعه حجت معتبره هست

چهارم : عده ای دیگر ومیگویند عدالت راوی به مجرد اسلام است و حکم به توثیق و تعدیل لازم نیست همینکه فسق صادر نشود کافی است

پنجم : عده ای دیگر ومیگویند که اگر روایت ضعیف مطابق با شهرت و فتوای مجمعین بود وثوق نوعی می آورد یعنی ما اطمینان به وثوق می آوریم ولو سند ضعیف است

ششم : عده ای مثل اقای خویی و هو المختار قائل به وثاقت شخصی اندکه به ارباب رجال مراجعه میشود چون رجال عن حس حجت هست نه عن حدس مثلا کسی که میگوید محمد بن مسلم موثق است دوست آیشان است و از روی استنباطات حرف نمیزند حال این عده آخر عمل مشهور را جابر ضعف سند نمی‌دانند اما بقیه موارد عمل مشهور را انجبار ضعف سند میدانند